

یادداشت کارگری هفته:

به استقبال اول ماه مه ۱۴۰۱ بشتابیم! (بخش سوم)

روز کارگروزمعلم (۱۱ اردیبهشت) امسال را به روزاعتراض سراسری وعمومی کارگران و معلمان بدل نماییم!

امیر جواهری لنگرودی



اول ماه مه سال ۱۴۰۱ در راه است!

آیا می‌توان از شکل‌گیری تاریخی روز اول ماه مه و مبارزه آن آموخت؟!*

اول ماه مه، (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی همبستگی کارگران از راه می‌رسد. این روزی است که کارگران آنرا با ریختن خون خود بنیاد نهاده اند. اما فکر بزرگداشت روز اول مه چگونه آغاز شد؟* در واقع «فکر ارزشمند پیشنهاد روزی برای بزرگداشت کارگران، با هدف رسیدن به هشت ساعت کار در روز، نخستین بار در استرالیا مطرح شد. کارگران استرالیا در سال ۱۸۵۶ تصمیم گرفتند که روزی را با هدف تقلیل زمان کار با رسیدن به هشت ساعت در روز سازماندهی کنند، در این روز محل کار خود را ترک و به گردهم آیی و جشن بپردازند. تصمیم گرفته شد که روز ۲۱ آوریل چنین روزی باشد. در آغاز کارگران استرالیایی قصد اختصاص چنین روزی را فقط برای یک سال داشتند. اما همان بزرگداشت نخستین چنان تأثیر عمیقی بر توده‌های کارگر استرالیا گذاشت و پیامدهای مشوقانه و تبلیغاتی فراوانی داشت که تصمیم گرفته شد چنین بزرگداشتی در سال‌های بعد نیز تکرار شود.

به راستی چه چیزی می‌توانست مانند دست‌کشیدن داوطلبانه از کار، شجاعت بیشتر و ایمان قویتری را در میان توده‌های طبقه کارگر به وجود آورد؟ چه چیزی می‌توانست به این بردگان دائمی کارخانه و کارگاه، اشتیاق بیشتری را برای همراهی و اتحاد ایجاد کند؟ به همین دلیل به‌زودی اندیشه یک روز برای بزرگداشت کارگران پذیرفته شد، از استرالیا به کشورهای دیگر رفت و سراسر کارگران دنیا را دربرگرفت.

اولین کارگرانی که شیوه کارگران استرالیا را اجرا کردند کارگران ایالات متحده آمریکا بودند. در سال ۱۸۸۶ روز اول ماه مه به‌عنوان روز تعطیل کاری اعلام شد. در آن روز ۲۰۰ هزار کارگر دست از کار کشیده و با شرکت در تظاهرات خواستار اعلام هشت ساعت کار در هر روز شدند.

پس از آن روز نیز سرکوب حکومت ۱ مانع از آن شد که کارگران بتوانند بار دیگر چنین مراسمی را برگزار نمایند. اما در سال ۱۸۸۸ کارگران مصمم بار دیگر اعلام کردند که در روز اول ماه مه سال بعد چنین بزرگداشتی را برگزار می‌کنند.

در خلال این مدت جنبش کارگری اروپا نیز تکامل یافته و پویاتر شده بود. این جنبش توانسته بود در کنگره بین‌المللی کارگری سال ۱۸۸۹ به نقطه اوج خود برسد. در این کنگره که ۴۰۰ نماینده کارگران را گرد هم آورده بود، هشت ساعت کاری در هر روز در اولویت تصمیمات قرار گرفت. لائوین، یکی از نمایندگان سندیکای کارگری فرانسه از شهر بوردو، پیشنهاد کرد که برای تحقق این خواسته، روزی به‌عنوان روز تعطیل عمومی کارگران اعلام شود. در پی این پیشنهاد، نمایندگان کارگران ایالات متحده آمریکا گفتند رفقای آنان تصمیم گرفته‌اند که روز اول ماه مه را به‌عنوان چنین روزی اعلام کنند، کنگره نیز تصمیم گرفت که این روز را به‌عنوان روز تعطیل عمومی کارگری اعلام نماید.

به واقع این بار نیز، مانند ۳۰ سال پیش از آن در استرالیا، خواست کارگران عملاً مختص به یک دوره بود. تصمیم کنگره آن بود که کارگران تمامی جهان روز اول ماه مه ۱۸۹۰ برای مطالبه هشت ساعت کار روزانه، دست از کار کشیده و تظاهرات کنند و بنا نبود که این عمل در سال‌های بعد نیز تکرار گردد. پیش‌بینی نمی‌شد که این پیشنهاد چه‌قدر موفق خواهد شد و بین کارگران جهان مقبولیت می‌یابد؛ اما کافی بود که بزرگداشت روز اول ماه مه یک بار در سال ۱۸۹۰ برگزار شود تا همه به این جمع‌بندی برسند که این بزرگداشت باید سالانه و همیشگی باشد.

روز اول ماه مه نخست به دلیل مطالبه هشت ساعت کار روزانه بود؛ اما کارگران پس از دستیابی به این خواسته نیز دست از بزرگداشت این روز نخواهند کشید. تا زمانی که مبارزه کارگران علیه سرمایه‌داری و دولت‌های نماینده آن ادامه دارد، تا زمانی که خواسته‌هایی از کارگران باقی است که باید به تحقق درآیند، بزرگداشت این روز در هر سال، مطالبه این خواسته‌ها خواهد بود. اما حتی زمانی که دوران بهتری فرارسد و طبقه کارگر در تمامی جهان به آزادی خود دست یافته باشد، حتی در آن زمان هم بدون شک بشریت به یاد مبارزات و جانبازی‌های گذشته، به بزرگداشت روز اول ماه مه خواهد پرداخت.

سرانجام در چهار ژوئیه ۱۸۸۹، یعنی ۱۳۳ سال پیش، کنگره بین‌المللی کارگران در پاریس، با پیشنهاد نماینده آمریکا بوش، روز اول ماه مه را به‌عنوان بزرگداشت یاد کارگران جان باخته شیکاگو، روز همبستگی بین‌المللی کارگران اعلام نمود. بدین ترتیب روز کارگران جهان، بر شطی از خون آنان بنیاد گشت. رژیم‌های ارتجاعی در ابتدای امر با برگزاری این روز در کشورهایشان مخالفت کردند. اما پافشاری کارگران، آنان را به عقب نشینی واداشت و ماه مه در کلیه کشورهای جهان روز همبستگی کارگران اعلام گردید.

بی شک چنین مبارزه تاریخی برای کارگران کشورما از ابتدای شکل‌گیری سطحی از پیدایش واحدهای تولیدی از سال‌های ۱۳۰۰ به اینطرف سابقه تاریخی پر نشیب و فرازی را با خود یدک می‌کشد که بازتابانند برگ و برگ اسناد آن، خود سیاهه پرشماری را پیش پای ما می‌گذارد.

چه می‌توان کرد؟

امروز همچون گذشته، سیاست ضد کارگری قدرت حاکم در ایران، طی بیش از چهارده بعد از انقلاب بهمن، خاصه در دوره دشواررشد کووید ۱۹ و گستردگی دوران کرونا و همچون نظام پیشین، همواره براساس تطمیع، تحمیق، تهدید و سرکوب، سرکوبگری فزون‌تر؛ دزدی، اختلاس و رشد بلا منازع مافیای در قدرت استوار بوده است.

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روزتجمیع همه نیروهای مطالبه‌گر و همگرایی حول حداقل اشتراکات آنان باید تلقی گردد تا «راهزن، آنچه را که ربوده، رها کند و در این نبرد نهایی همه نیروها به هم گرد آیند و این مبارزه را به سرانجامی واقعی‌تر رسانند». اگر این تجمیع (وحدت و تشکیلات) فراهم آید، در اینجا صحنه رودرویی بین نیروی کار و سرمایه، بین زحمتکش و چپاولگر، قدرت نمایی آرایش نیرو می انجامد و ادامه یورش‌های خونین و تحمیل آن به کل حیات جامعه ممکن نمی‌گردد. امروز جنبش علنی رو به تزایدی راه افتاده و می‌رود که مسیر راهیابی خود را در علنیت این مبارزه پیدا کند؛ شاهد این ادعا: اعتصاب بزرگ و پرطنین کارگران پیمانی نفت - گاز و پتروشیمی در مقابل پیمانکاران به وسعت جغرافیای مناطق نفتی کشور و تداوم آن از خرداد سال ۱۴۰۰ به این سو و یازده حرکت سراسری معلمان طی سال گذشته و سایر تحرکات میدانی درون کشور، که پیشروی جنبش، پرقدرت‌تر و پرصلابت‌تری را، در تداوم مطالبات بی پاسخ مانده از جانب حاکمیت را پیش روی خود داریم و به عبارتی آنچه در سال ۱۴۰۰ دیدیم و آنچه امروز پیش پای جامعه است، نشانه آشکار رو در رویی‌هاست.

برای ما روشن است و باید بی تعارف گفت: خود کارگران دریافته‌اند در شرایط کنونی با مشکل پراکندگی مواجهند و این مسئله خود هشدار است که علی‌رغم ادامه کاری و از خود گذشتگی در مبارزه و علی‌رغم اعلام همبستگی و همدلی آشکار و واقعی میان فعالان جنبش‌های اجتماعی، بدون یک همکاری جدی و سازمان‌یافته و سراسری در میان تمامی کارگران و زحمت‌کشان، در اساس آنان قادر به مقابله با سیاست‌های ضد کارگری و تغییر شرایط موجود نخواهند بود. این دوره دشوار از طریق فرمان به ما بپیوندد تا شما را از طریق سازمان و حزب و ایدئولوژی واحد رستگار گردانیم، یا اینکه پاسخگویی به نیازهای جنبش کارگری و مطالباتی در محور تلاش برای شکل دادن به این و آن آلترناتیو به سرآمده تعریف می‌گردد. در مقابل این جایگزینی از بالا، اساس کار ما، پیوند همه نیروهای داخل و خارج برای تقویت همفکری‌ها و گسترش مراوده فکری و داد و دهش گسترده‌تر برای پیشبرد مبارزه فزون‌تر میدانی در خود میدان رخدادهاست.

در اساس از یک سو، شیوه کار توامان ما باید بر پایه تبلیغات سازماندهی محور و از سوی دیگر، این سازماندهی باید معطوف به خود اردوی پرشمار کار در سیالیت مبارزه‌ای باشد که خود کارگران و زحمتکشان اسباب رزم آنرا فراهم آورده باشند و این آن نکته مهمی است که باید در سال ۱۴۰۱ اساس کار باشد.

ما معتقدیم در شرایط حاضر یک حزب بزرگ بر پایه مطالبات بی پاسخ مانده، به شکل خود بخودی، که بتواند همه نیروهای اجتماعی موجود را متحد بکند، در اساس وجود ندارد، بنابراین لازم است که برای متمرکز شدن بر این پراکندگی و تفرق موجود، وسعت بخشیدن به عنصر همبستگی‌ها، همپوشانی‌ها، همصدایی‌های تمامی لایه‌های نیروی کار در مضمون همگرایی‌های وسیع و موردی، بر پایه فصل مشترکات موجود میان بخش‌های مختلف کارگران- کارمندان و مزدبگیران، معلمان، بازنشستگان، زنان، پرستاران، بهیاران، دانشجویان و بیکاران، بیش از پیش ضرورت پیدا می‌کند که در بخش اول یادداشت‌ها با تاکید یاد آورگشتم* .

اعتصاب بزرگ سراسری کارگران پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی پالایشگاه‌های درون کشور را باید به تداوم درآمیزی نه پرطنین مردم به هستی مالکیت چپاولگر موجود و مافیای در قدرت و گزینش قاضی مرگ بر رأس دستگاه اجرایی دولت و نمایش حرکت‌های کف خیابان و حرکات میدانی مبدل نمود. در هم آمیزی سطوح مختلف اعتراضات در حرکت‌های کف خیابان، راه اعمال قدرت و پیشروی طبقه ما است. به موازات آن نیاز به همگرایی جنبش‌های اجتماعی و لایه‌های گوناگون معترض طبقه کارگر و حقانیت بخشیدن به استقلال جنبش محیط کار الزامی است. صدور بیانیه‌های شعاری، جعلی و اطلاعیه‌های قالبی به نام طبقه کارگر و به نیابت از کارگران تلاشگر پروژه‌ای و یا کارگران اعتصابی پیمانی نفت، با هدف مصادره اعتبار اعتصابات به نفع حزب، سازمان و یا جناح سیاسی ورشکسته معینی، کاری ناشایست و به زیان کارگران اعتصابی و مخدوش کردن این صف مبارزاتی است.

آنچه در سال ۱۴۰۰ دیدیم و آنچه امروز پیش پای جامعه است، نشانه آشکار رودرویی‌ها را به نمایش می‌گذارند. ضرورت پیوند جمعی و تقویت همگرایی در عمل، نه وظیفه‌ای در میان وظائف دیگر، بلکه حلقه اصلی کار سازمان‌دهی در جامعه و در بین کارگران و زحمتکشان است. بدون هماهنگی و رفتن به سوی ایجاد نهادهای همکاری و سراسری برای هدایت مشترک جنبش‌های مطالباتی، قدرت این حرکات شجاعانه و پیگیر اعتراضی - مطالباتی به هدر می‌رود و راه برای سرکوب آن‌ها هموارتر می‌شود. تلاش برای همگرایی میان مبارزات پراکنده و گسترش همبستگی این مبارزات در سال پیش‌رو، ضرورتی فوری و حیاتی خواهد بود. پاسخگویی به این ضرورت در آستانه **روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) روز معلم (۱۲ اردیبهشت)** بیش از هر موقع خود را نشان می‌دهد.

امروز در هم شکستن تردیدها در ناکارآمدی نظام، با پیشروی جنبش مطالباتی که صدایش از هر سو شنیده می‌شود تعریف می‌گردد و اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) امسال می‌بایست با قدرت بیشتر از پیش پا پیش بگذارد. من بارها به قلم آوردم، هیچ نیرویی به تنهایی فاعل این مبارزه نخواهد بود؛ بلکه چنانچه همه نیروهای مطالبه‌گر، که برای دفاع از آزادی و برابری حیات و حرمت زندگی از یوغ بردگی کارمزدی مبارزه می‌کنند، چنانچه به شکل توأمان برنامه ریزی نمایند و یکی گردند و سازماندهی حرکت میدانی کار بر پایه حداقل‌ها، مبنای کار قرار گیرد، تا حدی نتایج مطلوب فراهم می‌آید.

باید با صدای بلند یاد کرد؛ انجام تظاهرات اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) همان طور که در سال گذشته شاهد بودیم، در کشوری مانند ایران، که در ظرف اختناق سیاسی شدید و بی‌مانندی به سر می‌برد، علیرغم شرایط کرونایی حاکم، در تهران، کردستان و جنوب ایران به شکلی خود را نمایاند و در نوع خود عملی خارق‌العاده بود. اما امروز هیچ حرکتی را نباید با آغاز دوره گذشته‌اش سنجید. علی‌رغم تهاجم به تجمع اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) سال گذشته، در طی سال، ما شاهد صدها تجمع بزرگ و گاه سراسری جنبش معلمان بودیم. ما در کنار شکست‌ها، عقب‌نشینی‌ها، سرکوب‌گری‌ها، شاهد پیروزی‌هایی هم بودیم. نباید یادمان برود در شرایط امروز، هر سطح پیروزی تنها در سایه اتحاد، اتفاق تمامیت اردوی میلیونی کار به دست می‌آید و ادامه همین وحدت است که می‌تواند هدف نهایی‌تری از پیشروی را میسر نماید.

شراره‌های سرخ اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز همبستگی کارگران، نه تنها در میادین، خیابان‌ها، کوچه و پس‌کوچه‌ها و محلات کارگری و حاشیه شهر که زحمتکشان در کنار هم می‌زیند، بلکه در شرایط فعلی لازم است به درون تمامی نیروهای مطالبه‌گر راه یابد. باید به سوی هم بشتابیم و آغوش بگشاییم. فرصت زیادی نیست.

**... هرچند اکنون به وضوح نمی‌توانیم شادی کنیم
و نمی‌توانیم در آرامش به سوی هدف‌های نجیب خویش گام برداریم
با این همه، ما خداوند سرنوشت خویشیم، بهاریم، جوانی هستیم، سپیده دمیم!
و نخستین روز مه، روز ماست، از آن ماست***

منبع:

* بزرگداشت روز اول مه چگونه آغاز شد؟ باز نشر یادداشتی از رزا لوکزامبورگ به مناسبت روز جهانی کارگر از شماره ۲۵ ماهنامه گیلان ۲۰۱۳

<https://awjamaq.blog.ir/post/36>

* «... اگر فعالان ما در زندانند. اگر کنشگران خیابانی ما احضار می‌شوند، اگر همسان‌سازی برای سطوح مختلف نیروهای اجتماعی خواست مشترکی است و اگر امر بالا بردن دستمزد بر پایه‌ی نرخ تورم نقطه به نقطه و گرانی سبدمعیشت زندگی، دشواری امنیت شغلی، بازگشت بر سر کار کارگران اخراجی، خواست‌های اساسی و مشترک همه‌ی مزد و حقوق بگیران جامعه‌ی هشتاد و پنج میلیونی ما است، لذا پاسخگویی به همه‌ی این مطالبات یا همه‌ی این دردهای

مشترک، هرگز جدا جدا درمان نمی‌شود! و دست یابی به این همه‌ی مطالبات مشترک، بدون رزم مشترک، ممکن نیست!» از یادداشت: به استقبال اول ماه مه ۱۰۴۱ بشتابیم! (بخش اول)

http://karegari.com/maghalat/2022/03/29/Aval_Maj_1401_1.pdf

* کتاب جمعه، شماره ۳۳، اردیبهشت ۱۳۵۹، ص ۲۵